

تحلیل طرحواره های ناسازگار اولیه در شخصیت‌های زن مجموعه داستان «همه افق» اثر فریبا وفی از دیدگاه جفری یانگ

احد کمالی منش، دکتر پروانه عادل‌زاده*، دکتر کامران پاشایی فخری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

سال نوزدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۵، صص ۸۸-۷۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8222>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: طرحواره‌ها عبارت از الگوهای تکرار شونده‌ای هستند که از سنین کودکی دیدگاهها، تمایلات و احساسات انسان را شکل می‌دهند و بر چگونگی نگرش و رفتار وی در بزرگسالی تاثیر می‌گذارند. طرحواره‌ها برای شناخت جهان پیرامون و چگونگی تعامل با آن و حتی با خود پدید می‌آیند. اما گاهی این طرحواره‌ها، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی می‌شوند که در ذهن شکل می‌گیرند و در سیر زندگی فرد را با مشکلاتی مواجه می‌کنند که به آنها طرحواره‌های ناسازگار گفته می‌شود. این پژوهش سعی دارد طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در شخصیت‌های زن مجموعه داستان «همه افق» در قالب چارچوب نظری نظریه پرداز مشهور طرحواره‌های ناسازگار «جفری یانگ» بررسی کند.

روش‌ها: در این پژوهش گردآوری مطالب از نوع کتاب‌خانه‌ای و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و بر اساس تحلیل محتوای کیفی است. جامعه مورد مطالعه، هشت داستان مجموعه داستان «همه افق» نوشته فریبا وفی است که توسط انتشارات چشمه منتشر شده است.

یافته‌ها: بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که طرحواره‌هایی نظیر اطاعت، ایشار، محرومیت هیجانی، نقص، شرم، رهاشدگی، بی‌ثباتی و شکست، در شخصیت‌های زن این داستانها قابل ردیابی هستند.

نتیجه‌گیری: این طرحواره‌ها بازتابی از چالش‌های زنان معاصر، خشمهای پنهان، ترسها و رنجهای ناشی از محدودیتهای فرهنگی و اقتصادی است که نویسنده به تصویر کشیده است. روایتی‌هایی که طرحواره‌های ناسازگار و پیامدهای آن را در جامعه بیان می‌کند. این مجموعه داستان بستری مناسب برای درک تجربیات درونی زنان و الگوهای ناسازگار آنها از منظر طرحواره جفری یانگ را فراهم می‌کند.

تاریخ دریافت: ۱۷ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۸ خرداد ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

همه افق، شخصیت، الگوهای رفتاری، طرحواره ناسازگار، فریبا وفی، جفری یانگ.

* نویسنده مسئول:

parvanehadelzadeh@iaui.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of early maladaptive schemas in female characters in the story collection "All Horizons" by Fariba Vafi from the perspective of Jeffrey Young

A. Kamalimanesh, P. Adelzadeh*, K. Pashaei Fakhri

Department of Persian Language and Literature, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received:

Reviewed:

Revised:

Accepted:

KEYWORDS

Hameh Ofoq (All Horizons),
Character, Behavioral Patterns,
Maladaptive Schema, Fariba Vafi,
Jeffrey Young.

*Corresponding Author

✉ parvanehadelzadeh@iau.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Schemas are recurring patterns that shape individuals' perspectives, tendencies, and emotions from childhood and influence their attitudes and behaviors in adulthood. Schemas emerge to help individuals understand the world around them, their interactions with others, and even with themselves. However, some schemas develop into self-defeating emotional and cognitive patterns formed in the mind, causing various problems throughout an individual's life; these are referred to as maladaptive schemas. This study aims to examine the early maladaptive schemas manifested in the female characters of the stories within the theoretical framework proposed by the renowned schema theorist Jeffrey Young.

METHODOLOGY: This research is based on library research, and the methodology is descriptive-analytical, employing qualitative content analysis. The study corpus consists of eight stories from the collection Hameh Ofoq (All Horizons) written by Fariba Vafi and published by Cheshmeh Publishing.

FINDINGS: Preliminary findings indicate that schemas such as subjugation, self-sacrifice, emotional deprivation, defectiveness/shame, abandonment, instability, and possibly failure can be identified in the female characters of these stories.

CONCLUSION: These schemas reflect the challenges faced by contemporary women, as well as the hidden anger, fears, and suffering resulting from cultural and economic limitations portrayed by the author. The narratives depict maladaptive schemas and their consequences within society. This collection of stories provides a suitable context for understanding women's inner experiences and their maladaptive patterns through the perspective of Jeffrey Young's schema theory.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8222>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 11	 0	 0

مقدمه

ادبیات این پتانسیل را دارد که با معرفی الگوهای سالمتر و سازگارتر، به‌ویژه به گروه‌هایی مانند زنان، به‌عنوان مسیری ایمن در جهت تسهیل سازگاری و تغییر روان‌شناسی عمل نماید. بنابراین، اثر ادبی، به‌عنوان نقطه تلاقی روان‌پدیدآورنده و مخاطب، نه تنها فضایی برای تحلیل روان‌شناسی شخصیت‌ها و فرآیندهای خلاق است بلکه بستری بالقوه برای خودشناسی، فهم دیگری و حتی اصلاح با تقویت الگوهای روان‌شناسی خواننده محسوب می‌شود این‌جاست که ادبیات، نقش مهمی در رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی ایفا می‌کند. «بر این پایه، آفریدن یک اثر ادبی نوعی رفتار قابل شناخت به حساب می‌آید و میتوان آن را برآیند یک انگیزه روان‌شناسی و پرتوی از زندگی روانی خالق آن و نشانی از انگیزشهایی دانست که چه‌بسا وی به هنگام خلق اثر ادبی متوجه آن نبوده است.» (کارلونی، ۱۳۶۸: ص ۹۹)

فریبا وفی «نویسنده معاصر است که در سال ۱۳۴۱ در تبریز به دنیا آمد. وی از نوجوانی به داستان‌نویسی علاقه‌مند بود و چندین داستان کوتاه‌اش را در گاه‌نامه‌های ادبی منتشر کرد. نخستین داستان جدیش در سال ۱۳۶۷ در مجله‌ی «آدینه» چاپ شد و هشت سال بعد نخستین مجموعه داستان‌اش به چاپ رسید. در کل پنج مجموعه داستان و هفت رمان منتشرشده به صورت کتاب و تعدادی داستان در نشریات متعدد ادبی، کارنامه ادبی او را تشکیل می‌دهند.» (وفی، ۱۳۹۲: ص ۹۶)

در قلمرو پربار ادبیات داستانی معاصر ایران، آثار فریبا وفی جایگاهی ویژه دارند؛ فضایی که در آن، نویسنده با نثری آرام، دقیق و به دور از اغراق‌های مرسوم، به کاوش در لایه‌های پنهان زندگی روزمره می‌پردازد. مجموعه داستان کوتاه «همه افق» نمونه‌ای درخشان از این جهان‌بینی و سبک روایی است. این مجموعه، که هشت روایت به ظاهر ساده را در بر می‌گیرد، همچون گالری‌ای از لحظات زیسته زنانی است که در میانه چالش‌های معمول اما عمیقاً انسانی از ترس و اضطراب گرفته تا ملال، عشق، فقدان و مواجهه با محدودیتهای فرهنگی و اقتصادی در نوساند. وفی در این داستانها، بیش از آن‌که به دنبال ترسیم وقایع بیرونی تکان‌دهنده باشد، بر دگرگونیهای نامحسوس اما تعیین‌کننده‌ی شناخت و آگاهی درونی شخصیت‌هایش تمرکز می‌کند.

در این جستار، میکوشیم با بهره‌گیری از چارچوب نظری طرحواره‌ها به مثابه عدسی تحلیلی، به خوانشی عمیق‌تر از شخصیت‌های زن در مجموعه «همه افق» دست یابیم. هدف آن است که نشان دهیم چگونه تجربیات و کشمکشهای این شخصیت‌ها میتواند بازتابی از طرحواره‌های ناسازگار باشد. این تحلیل، با در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و اجتماعی داستانها میتواند به درک غنیتی از تعامل پیچیده میان ساختارهای روانی فردی و فشارهای بیرونی در شکل‌گیری تجربیات زنان بینجامد.

پیشینه تحقیق

آثار داستانی فریبا وفی، به‌ویژه با تمرکز بر تجربیات و مسائل زنان در بستر جامعه معاصر ایران، موضوع تحلیلها و پژوهشهای متعددی در حوزه نقد ادبی، مطالعات زنان و جامعه‌شناسی ادبیات بوده‌اند. این پژوهشها از زوایای مختلفی به بررسی شخصیت‌پردازی، مضامین اجتماعی و جنبه‌های روانشناختی آثار او پرداخته‌اند. برای نمونه، علیرضا صالحی و مهدیه فدایی (۱۴۰۲) در پژوهشی تطبیقی میان داستان «پرند من» از وفی و اثری از آنا گاولدا، به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در این داستانها علی‌رغم جستجو برای هویتی مستقل، به دلیل وابستگیهای عاطفی و اقتصادی به خانواده و همسران، دچار خلاء عاطفی، تنهایی و خستگی روانی ناشی از نبود هویت و استقلال میشوند.

«وفی همچون دیگر نویسندگان مکتب واقع‌گرایی تنها به بازگویی صرف واقعیت نمیپردازد بلکه اندیشه تحلیل-گرایانه خود را نیز در آن دخیل میکند.

آثار وفی سرشار از زنانی است که قربانی جامعه مردمحور و مردسالار شده و هویت خود را از دست داده‌اند؛ زنانی که تاریخ انقضای شادیهایشان به دست مردان رقم میخورد و رنگ میبازد. «آرزومند، فریدون و فرزانه‌فرد، سعید ومهری بیگدیلو، ایمان: ۱۴۰۰ صص ۶۴-۵۱) نیلوفر بنی‌طرفی و شبنم حاتم‌پور (۱۴۰۲) در بررسی سه رمان از پیرزاد، آقایی و وفی، این آثار را در بازنمایی هویت جنسیتی زن ایرانی و بحرانهای مرتبط با آن مؤثر دانسته‌اند. آنها نشان میدهند که این رمانها تعارضات فرهنگی میان دو جنس را منعکس کرده و همچنین بیانگر نوعی خودداری یا تمایل نداشتن نویسندگان زن به بیان صریح مسائل جنسی در آثارشان هستند.

دسته دیگری از پژوهشها به زمینه اجتماعی و بازنمایی تجربه زیسته زنان در رابطه با تحولات مدرنیته پرداخته‌اند. خیام عباسی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای بر رمان «ترلان»، به بازنمایی تضاد میان جامعه سنتی و مدرن و تأثیر آن بر خانواده، زنان و فمینیسم ایرانی در داستان فارسی اشاره میکند و معتقد است این بازنمایی گاه فاقد ساختار محکم یا نمود شفاف است.

هم‌چنین، جنبه‌های جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی روابط زناشویی در آثار وفی مورد توجه قرار گرفته است. حسن ذوالفقاری و مریم مقدمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با تکیه بر زمینه طلاق عاطفی در آثار وفی، عواملی چون سطح پایین ارتباطات کلامی و عاطفی، نبود همدلی، احساس تنهایی و کوتاهی شوهر در تعهدات خانوادگی را به‌عنوان دلایل اصلی این پدیده شناسایی کرده‌اند.

در خصوص طرحواره‌های ناسازگار در شخصیت‌های داستانی سایر نویسندگان معاصر ایرانی مقاله‌ای توسط صمیمی و دیگران (۱۴۰۱) به چاپ رسیده است. در این مقاله با عنوان "نقد روانکاوانه شخصیت وهاب در رمان خانه ادریسیها بر اساس طرحواره ناسازگار اولیه با تکیه بر رویکرد جفری یانگ" شخصیت وهاب تحلیل و ارزیابی شده و نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که وهاب دارای طرحواره ناسازگار است و نیازهای امنیت و ثبات و محبت در دوران کودکی وی به درستی تأمین نشده است.

نوآوری و ضرورت پژوهش

مطالعات قبلی در آثار وفی به مسائلی چون خلاء عاطفی، مشکلات ارتباطی، بحران هویت و راهکارهای مقابله‌ای اشاره کرده‌اند، اما تاکنون هیچ پژوهشی مستقلاً به بررسی و تحلیل نظام‌مند شخصیت‌های زن و ارتباط روایی در این داستانها با تأکید مشخص بر نظریه طرحواره‌های ناسازگار اولیه جفری یانگ و سبکهای مقابله‌ای مرتبط با آن نپرداخته است.

پژوهش حاضر تلاش دارد با به‌کارگیری این چارچوب نظری به درک عمیق‌تری از الگوهای روان‌شناسی طرحواره‌های ناسازگار که منجر به شکل‌گیری مشکلات عاطفی، ارتباطی و هویتی می‌شوند و هم‌چنین رفتارهای مقابله‌ای (تسلیم، اجتناب، جبران افراطی) که شخصیتها در پاسخ به این طرحواره‌ها به کار میگیرند، دست یابد.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی محتوا و بر اساس توصیفات ارائه شده از داستانهای کوتاه مجموعه «همه افق» - توصیف شخصیتها، موقعیتها، چالشها و تغییرات درونی روایت شده - انجام گرفته است. سپس طرحواره‌های ناسازگار شخصیتها از طریق انطباق الگوهای رفتاری و موقعیتهای توصیف شده با تعاریف طرحواره‌های ناسازگار اولیه استنتاج شده‌اند.

بحث و بررسی

روان‌شناسی به عنوان دانشی که به بررسی روان و رفتار آدمی می‌پردازد با ادبیات که موضوع آن انسان و تاثیر محیط بر اوست، چنان ارتباط تنگاتنگی دارند که شاخه‌ای به نام «روان‌شناسی ادبی» براساس وجوه مشترک این دو دانش به وجود آمده است. «هدف این شاخه مطالعه روانشناسی صاحب اثر، مطالعه فرآیند آفرینش ادبی شناخت اصول و نشانه‌های روان‌شناسی موجود در اثر ادبی و بررسی تاثیر ادبیات بر خوانندگان یک اثر ادبی است.» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ص ۸۲)

«ادبیات میتواند به شناخت و درک احساسات، افکار و رفتارهای خود و دیگران کمک کند. این آگاهی و شناخت میتواند به پیشگیری از شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار یا تغییر آن‌ها کمک کند. ادبیات میتواند الگوهای رفتاری و فکری سالم را به خوانندگان مخصوصا زنان معرفی کند و به آن‌ها در ساختن طرحواره‌های سازگار کمک کند. اگر ادبیات با الگوهای خود شامل این تغییر شود، میتواند راهی بی‌خطر در درمان رفتارهای ناسازگاری شود.» (رفاقت خواجه، ۱۳۹۹: ص ۲۲)

جفری یانگ و نظریه طرحواره های ناسازگار

جفری یانگ روانشناس، روان درمانگر و استاد دانشگاه اهل ایالات متحده امریکاست که نظریه طرحواره درمانی را بنیان نهاده است. طرحواره درمانی یک شیوه ی درمان برای اختلالات شخصیتی و اختلالات مزمن ذهنی است. وی در طول بیست سال فعالیت مستمر دریافت که از اوایل کودکی الگوهای رفتاری خاصی در انسان شکل میگیرد که گاه مثبت و گاه منفی هستند. «طرحواره ها که عبارت از الگوهای بسیار عمیق و پایداری هستند که رفتار و افکار و احساسات انسان را از دوران کودکی شکل میدهند همواره منفی نیستند و طرحواره های مثبت نیز وجود دارند. طرحواره های مثبت در صورت برآورده شدن نیازهای اساسی فرد در دوران کودکی ایجاد میشود و تصویری مثبت از دنیا و خود در شخص پدید می آورد.» (ر.ک جهانتاب و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۲۲۴) این الگوها یا همان طرحواره های منفی هستند که به نوعی تله شخصیتی محسوب می شوند. طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوهای عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات، هیجانات، شناختها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند و به رابطه فرد با خود و دیگران مربوط می‌شوند. این الگوها در کودکی شکل گرفته و در طول زندگی تداوم می‌یابند و اغلب ناکارآمد هستند. « طرحواره در حوزه رشد شناختی به صورت قالب و الگویی در نظر گرفته میشود که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل میگیرد. به عبارتی طرح کلی از عناصر برجسته هر واقعه را طرحواره می گویند. (صمیمی و دیگران، ۱۴۰۱: صص ۲۸-۲۹) «تجربیات اولیه کودک، مانند روابط با والدین، همسالان و محیط اطراف، نقش مهمی در شکل‌گیری طرحواره ها دارند. علت بروز این الگوهای ناسازگار میتواند نیازهای عاطفی اساسی باشد، نیازهای عاطفی اساسی نیازهای روان‌شناسی جهان شمولی هستند که برای رشد سالم ضروری هستند، مانند نیاز به امنیت، محبت، تایید و استقلال.» (یانگ و کلوسکو، ۱۳۹۰: ص ۳۶) توجه به این امر ضروری است که عدم ارضای این نیازها در دوران کودکی میتواند منجر به شکل‌گیری طرحواره های ناسازگار شود.

انواع طرحواره های ناسازگار از دیدگاه جفری یانگ

طرحواره های ناسازگار بر اساس نظریه جفری یانگ، هجده نوع است که عبارتند از: «محرومیت هیجانی، رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، گرفتار/ خویشتن تحول نیافته، اطاعت، ایثارگری، بازداری هیجانی، معیارهای

سخت گیرانه، استحقاق/ بزرگ منشی، خویش‌داری/ خود انضباطی ناکافی، پذیرش جویی/ جلب توجه، منفی‌گرایی/ بدبینی، تنبیه» (یانگ و کلوسکو، ۱۳۹۰: ص ۴۰)

تحلیل داده‌ها در مجموعه داستان «همه افق»

مجموعه داستان «همه افق» نشان می‌دهد که شخصیت‌های زن این مجموعه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ای دست به گریبان هستند که تجربیات روزمره، روابط و چالش‌های درونی آنها را شکل می‌دهد. این داستانها، با استفاده هوشمندانه از عناصر ادبی مانند زبان ساده، تمرکز بر واقعیت روزمره، شخصیت‌پردازی واقع‌گرایانه و کاوش در تغییرات درونی، به بستری برای تحلیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان تبدیل می‌شود. این داستان‌ها صرفاً روایت رنج نیستند، بلکه کاوشی در الگوهای روان‌شناختی هستند که این رنج‌ها را شکل می‌دهند یا تداوم می‌بخشند. فریبا وفی با استفاده از نثری ساده و به دور از پیچیدگی، این فداکاریها و اطاعتها را نه به‌عنوان اعمالی قهرمانانه، بلکه به‌عنوان بخشی عادی و حتی طاقت‌فرسا از زندگی روزمره به تصویر میکشد. این سادگی زبانی، بار سنگین و پنهان این طرحواره‌ها را برجسته‌تر می‌کند. فضاهای داخلی و محدود خانه‌ها (محل میزبانیها، خانه مشترک سابق، اتاق اجاره‌ای) به صورت نمادین می‌توانند محدودیتها و فشارهایی را که منجر به فعال شدن این طرحواره‌ها میشوند، بازتاب دهند. شخصیتها در این فضاها گویی به دام افتاده‌اند.

«شبه‌های شعر» داستان زن شاغلی است که دوست شاعرش در خانه او لنگر انداخته و روزها به زمین و زمان ناسزا می‌گوید و شبها در دنیای شعر غرق می‌شود و او این مزاحمت و ناسزاگویی را در خانه‌اش تحمل می‌کند. این تحمل می‌تواند ناشی از سبک مقابله‌ای تسلیم در برابر طرحواره اطاعت (ترس از ابراز وجود یا تعیین حد و مرز) باشد. «فقط یک روز می ماند ولی هفته ها گذشت و نرفت. علی سفر بود. فرصت نکردم زندگی بدون او را تجربه کنم دو روز از رفتنش نگذشته بود که مهمانم آمد.» (وفی، ۱۳۸۹: صص ۱۷، ۱۸)

طرحواره اطاعت

در طرحواره اطاعت که یکی از نخستین تله‌های روحی به شمار میرود فرد آگاهانه یا ناخودآگاه از خواسته‌های خود چشم‌پوشی میکند و در واقع «در چنین حالتی فرد استدلال وجودی خویش را فدای خواست یا اقتدار و رضایت دیگری یا دیگران میکند.» (یانگ، ۱۳۸۶: ص ۹۲)

علاوه بر طرحواره اطاعت، در این داستان این مهمان مزاحم دارای طرحواره استحقاق است و به جز خود به هیچ کس و هیچ چیز دیگری اهمیت نمیدهد. مثلاً آنجا که شخصیت اصلی داستان (زن شاغل) که مستاجر است و معمولاً صبح زود از خواب بیدار میشود و خسته از کار برمیگردد، نیاز دارد مهمانش شرایط او را درک کند. اما با بی‌اعتنائی مهمانش مواجه میشود.

«چشم‌هایش پف کرده بود دیر از خواب بیدار شده بود.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۱۹)

«قاه قاه خنده اش خانه را پر کرد نگران به در نگاه کردم مبدا صاحبخانه بشنود. نگاهم کرد و بلندتر خندید.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۲۱)

طرحواره استحقاق

فردی که چنین طرحواره‌ای دارد معتقد است که نسبت به دیگران یک سر و گردن بالاتر است حقوق ویژه‌ای برای خودش قائل است تعهدی نسبت به رعایت اصول روابط متقابل که راهنمای تعاملات اجتماعی بهنجار هستند

ندارد اغلب بر این نکته پافشاری میکند که دیگران باید هر آنچه را که او میخواهد برایش فراهم کنند بدون توجه به این که آیا درخواست او منطقی است، چه چیزی از نظر دیگران معقول است یا این که چه هزینه ای برای دیگران دارد.

«آواره و آزاد» داستان زنی است در نهایت بدگمانی و بی اعتمادی و برای حفظ عفت تک اتناق اجاره ای را ترک میکند و از دست صاحب‌خانه میگریزد و به دنبال آزادی است.

«آقای یزدانی جلو در کشیک می دهد. بار اول که نگاه حریصش را زیر پلک پف کرده اش دیدم نگران شدم.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۳۰)

طرحواره بی اعتمادی

«فرد با طرحواره بی اعتمادی ممکن است همیشه به دیگران بدگمان باشد و روابط خود را به دلیل بدگمانی تخریب کند. در صورت وجود این طرحواره شخص فکر میکند جامعه و دیگران عامدانه به او آسیب میزنند یا از اعتمادش سوءاستفاده میکنند.» (ر.ک یانگ، ۱۳۸۶: ص ۹۸)

نیاز به فرار برای حفظ خود می‌تواند با طرحواره بی‌اعتمادی-بدرفتاری یا آسیب‌پذیری مرتبط باشد. سبک مقابله‌ای او در این موقعیت، اجتناب (فرار) است. جستجوی آزادی نیز میتواند نوعی جبران افراطی در برابر احساس به دام افتادن یا کنترل شدن باشد که خود میتواند واکنشی به طرحواره اطاعت باشد.

طرحواره آسیب پذیری

این طرحواره معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که کودک در سالهای اولیه زندگی با تجربه‌هایی رو به رو میشود که حس ناامنی را در ذهن او پدید می‌آورند. این طرحواره باعث میشود شخص مدام احساس خطر و تهدید کند و کوچکترین اتفاق را به صورت فاجعه ای بزرگ تفسیر کند. از منظر روانشناسی رفتاری واکنش همه موجودات در برابر تهدید در سه شکل خلاصه میشود: «۱- جنگ، ۲- گریز، ۳- میخکوب شدن، این سه واکنش با سبک مقابله ای تسلیم، جبران افراطی و اجتناب همخوانی دارد.» (قهاری، ۱۳۹۷: ص ۵۹)

«پیاپی در روز آفتابی» داستان زن صبوری است که ناگزیر است ماهی یکبار پذیرای دوستی باشد که از شهرستان به خانه اش آمده و «آرزوهای سوخته‌اش» را مرور میکند و چند روای تازه میبافد و زحمت را کم میکند. صبر و پزیرایی مکرر این زن میتواند ناشی از سبک مقابله‌ای تسلیم در برابر طرحواره اطاعت باشد.

«برایش چای میریزم ظرف پنیر را از یخچال می آورم می گذارم روی میز.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۴۷)

دوست او نیز با مرور ناکامیها، با طرحواره محرومیت هیجانی (نیاز به بیان درد دل) درگیر است.

«آن شب اگر می گفتم کجا میروم با من نمی آمدی. اگر هم نمی آمدی من خودم تنها میرفتم بدترین روز زندگیم بود هر کاری می کردم دلم خنک نمیشد.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۵۶)

طرحواره محرومیت هیجانی

بر اساس نظریه یانگ این طرحواره هنگامی در فرد بروز می یابد که نیازهای عاطفی از جمله، همدلی، حمایت و درک شدن به شکل قابل اعتمادی برآورده نگردد. (ر.ک یانگ، ۱۳۸۳: ص ۵۹) در این داستان اگرچه میزبان هر ماه با صبوری پذیرای این مهمان ناخوانده است و خاطرات تلخ گذشته و آرزوهای سوخته او را مکرراً می‌شنود، اما مهمان هنوز هم احساس همدلی و درک شدن نمیکند و دچار محرومیت هیجانی است.

«بعد از پایان» داستان زن و شوهری است که پس از طلاق به خانه مشترک برمیگردند و معلوم میشود که هیچ چیز تغییر نکرده و اگر پیرمرد قول بدهد اخلاقش را تغییر دهد، شاید بتواند شش ماه بعد دوباره «بله» را از همسر سابقش بگیرد. وضعیت زن میتواند با طرحواره وابستگی-بی‌کفایتی مرتبط باشد. مشروط کردن بازگشت نیز میتواند نشانه‌ای از سبک مقابله‌ای اجتناب (از پذیرش کامل رابطه بدون تغییر) یا تلاشی برای کنترل باشد. «اگر شش ماه دیگر بیایم خواستگاری ات باز هم با من ازدواج می‌کنی؟ زن از صدای خودش تعجب میکند نه زنگ کینه داشت نه نفرت. گفت اگر پیرمرد غرغروی نباشد و اخلاقش را خوب کرده باشد چرا که نه؟» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۶۰)

طرحواره وابستگی - بی‌کفایتی

این باور که شخص قادر به تصمیم‌گیری مستقل نیست و همیشه در قضاوت کردن شک دارد و باید در انجام دادن مسئولیتهای روزانه به دیگران تکیه کند، تله یا همان طرحواره وابستگی - بی‌کفایتی نامیده میشود. در این داستان زن علی‌رغم طلاق و جدایی از شوهر باز هم وابسته اوست و حتی در صدایش نیز نشانه و اثری از کینه و نفرت دیده نمیشود تا جایی که این موضوع برای خودش نیز تعجب‌آور است. «بازار طلا» داستان دختری است که باید دائماً خیانت‌های خواهرش را پنهان کند و پیش شوهر خواهرش اعلام کند که با هم در بازار طلا بوده‌اند و نه جای دیگری. این رفتار به وضوح نشان‌دهنده سبک مقابله‌ای تسلیم در برابر طرحواره اطاعت (نسبت به خواهر یا ترس از پیامدها) است. «مسعود به من اعتماد دارد ای کاش نداشت هر بار که می‌بینمش دست و پایم را گم می‌کنم باید نقش بازی کنم. به زهره می‌گویم دور من را خط بکش. نمی‌توانم دروغ بگویم.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۷۰)

در این داستان نیز با طرحواره اطاعت مواجه هستیم. ترس از بیان حقیقت و پیامدهای ناشی از آن دختر را وادار به رفتار مقابله‌ای تسلیم میکند. او آگاهانه یا ناخودآگاه در برابر اقتدار خواهرش و برای رضایت خاطر او دروغ می‌گوید و صداقت خود را قربانی میکند و از اعتماد شوهر خواهرش سواستفاده میکند. همین موضوع روان او را دچار چالش بزرگی کرده و دچار عذاب وجدان شده است.

«همه‌افق» ماجرای عمه‌ای است که در تنهایی می‌میرد و وراثت ضمن مرور چگونگی مرگش به دنبال اموالش هستند. مرگ در تنهایی میتواند نمادی از یک عمر زندگی تحت تأثیر طرحواره‌های محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی یا رهاشدگی باشد.

«از کمد حکمت نه میلیون پول پیدا شده. گفتم چه زود کمدش را گشتند.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۷۷)

طرحواره رها شدگی

احساس رها شدگی یا طرد شدگی صرفاً جنبه فیزیکی ندارد و گاهی با آنکه دیگران در کنار شخص حضور دارند، بروز میکند. در واقع حالتی درونی است که شخص طی آن ترک شدن و خواستنی نبودن را احساس میکند. عدم برقراری روابط انسانی و احساسی سبب میشود نیازهای عاطفی فرد برآورده نشود و این طرحواره نمود یابد. در این داستان طرد شدگی عمه به وضوح دیده میشود. مضاف بر آن نبود حمایت خانواده و اطرافیان سبب شده احساسات و خواسته‌های عمه از سوی دیگران درک نشود و همین فقدان همدلی و حمایت طرحواره محرومیت هیجانی را نیز در این شخصیت داستانی پدید آورده است.

پیوند مضامین داستانهای «همه افق» با طرحواره های ناسازگار و سبکهای مقابله ای رفتاری

این مجموعه داستان به مضامینی چون «خشمهای پنهان»، «سوء تفاهمها» و «ترسها» اشاره میکند. این مضامین را میتوان به طور مستقیم تری به طرحواره های ناسازگار پیوند زد. برای مثال، «خشم پنهان» میتواند نمود بیرونی طرحواره اطاعت باشد؛ جایی که فرد نیازها و احساسات واقعی خود را سرکوب کرده (مانند زن میزبان در «شبهای شعر» «فرصت نکردم زندگی بدون او را تجربه کنم» (وفی، ۱۳۸۹: صص ۱۷، ۱۸) یا دختر در «بازار طلا» و این خشم فرو خورده به شکلهای دیگری بروز میکند یا در درون او جولان میدهد. «تا پشت گوشم قرمز شد. به زهره نگاه کردم حرفی به من نزده بود لیوان را پر کردم و خوردم. چیزی به عقلم نرسید.» (وفی، ۱۳۸۹: ص ۷۱) «ترسها» میتوانند با طرحواره آسیب‌پذیری (مانند زن در «آواره و آزاد») مرتبط باشند.

سبکهای مقابله‌ای رفتاری نیز کارکردهای روان‌شناسی مشخصی دارند.

تسلیم، مانند آنچه در زن میزبان داستان «پیاده‌روی در روز آفتابی» یا دختر «بازار طلا» دیده میشود، اگرچه ممکن است آرامش ظاهری ایجاد کند، اما به قیمت نادیده گرفتن نیازهای فرد تمام شده و چرخه ناسازگار را تداوم میبخشد.

اجتناب، مانند فرار زن در «آواره و آزاد» راه‌حلی موقتی برای فرار از موقعیت ناخوشایند است اما مشکل اصلی را حل نمیکند.

جبران افراطی، مانند جستجوی آزادی در «آواره و آزاد»، میتواند واکنشی قدرت‌مند اما گاه افراطی به احساس محدودیت باشد.

تغییر در این مجموعه داستان، اغلب در شناخت و آگاهی درونی انسانها رخ میدهد. شخصیتها در طول داستان به الگوهای تکراری رفتار و احساس خود (طرحواره ها) آگاه میشوند، که این آگاهی، حتی اگر به تغییر کامل منجر نشود، خود گامی مهم و یک «تغییر درونی» محسوب میشود. این امر نشان میدهد که داستانها بیشتر بر فرآیند درونی کشمکش و آگاهی تمرکز دارند تا رسیدن به یک نتیجه یا درمان قطعی.

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی طرحواره ها نشان داد که فریبا وفی، با استفاده هوشمندانه از عناصر ادبی چون زبان موجز و به دور از تزئینات، تمرکز بر جزئیات واقع‌گرایانه زندگی روزمره، شخصیت‌پردازی ملموس و کاوش در تغییرات تدریجی آگاهی درونی، بستری روایی خلق میکند که در آن، نموده‌های طرحواره های ناسازگار به شکلی طبیعی و باورپذیر تجلی میابند. این داستانها صرفاً روایت رنج نیستند بلکه کاوشی دقیق در آن دسته از الگوهای روان‌شناسی دیرپا هستند که این رنج‌ها را شکل میدهند یا تداوم میبخشند. تحلیل حاضر نشان داد که چگونه سبک ادبی ویژه‌ی وفی - این رئالیسم آرام و درون‌نگر - به ابزاری قدرت‌مند برای به تصویر کشیدن سنگینی نامرئی این طرحواره ها در زندگی عادی بدل میشود. از منظر ادبی، این تحلیل اهمیت سبک شناختی وفی را در بازنمایی تجربیات روان‌شناسی زنان برجسته میسازد. تمرکز او بر لحظات به ظاهر کم‌اهمیت و تغییرات نامحسوس درونی، به جای بیان وقایع درام، به خواننده اجازه میدهد تا با پیچیدگیهای روان‌شناسی شخصیتها به شیوه‌ای عمیق‌تر و همدلانه‌تر ارتباط برقرار کند. این رویکرد، سهم وفی را در غنا بخشیدن به شیوه های بازنمایی زن در ادبیات معاصر ایران تثبیت میکند. از منظر علم روان‌شناسی، این مطالعه موردی نشان میدهد که چگونه متون ادبی میتوانند به مثابه

داده‌هایی غنی (هرچند نیازمند تفسیر) برای درک تجلی طرحواره‌های ناسازگار در یک بستر فرهنگی-اجتماعی خاص عمل کنند.

این تحلیل هم‌چنین نشان‌دهنده پتانسیل رویکردهای بین‌رشته‌ای در پیوند دادن روان‌شناسی شخصیت و فنون روایتگری برای دستیابی به فهمی جامع‌تر از وضعیت انسانی است. در نهایت، میتوان گفت مجموعه «همه افق» فریبا وفی نمونه‌ای بارز از ادبیاتی است که در آن، هنر روایتگری و بینش روان‌شناسی به‌طور مؤثری در هم تنیده میشوند تا تصویری عمیق، چندلایه و همدلانه از تجربیات انسانی، به‌ویژه تجربیات زنان، در مواجهه با الگوهای درونی و فشارهای بیرونی خلق کنند. این اثر، خواننده را نه تنها به تامل در باب زندگی شخصیتها بلکه به بازاندیشی در الگوهای پنهان زندگی خود نیز فرا میخواند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز استخراج شده است. سرکار خانم دکتر پروانه عادل‌زاده راهنمایی رساله را برعهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. جناب آقای دکتر کامران پاشایی فخری به عنوان مشاور و دانشجو آقای احد کمالی‌منش پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از اعضای هیئت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام می‌نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش برعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

- Arjomand, Fereydoun, Farzaneh-Fard, Saeed, & Mehri Bigdeliou, Iman. (2021). Scientific Monthly of Persian Poetry and Prose Stylistics (Spring of Literature), pp. 51-64.
- Jahantab, Tahereh, et al. (2022). "An Analysis of Early Maladaptive Schemas in Barid al-Layl by Hoda Barakat Based on Jeffrey Young's Theory." Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature, Scientific Quarterly, No. 64, pp. 221-244.
- Refaghat Khajeh, Ebrahim. (2020). Teaching Life Skills through Ancient Iranian Tales for Children and Adolescents. Tehran: Arjmand Publishing, p. 22.

- Samimi, Saeedeh, et al. (2022). "A Psychoanalytic Critique of the Character Vahab in the Novel Khaneh-ye Edrisihā Based on Early Maladaptive Schemas with Emphasis on Jeffrey Young's Approach." *Quarterly Journal of Literary Research*, Vol. 19, No. 75, pp. 105–131.
- Ghahari, Shahrbanoo. (2018). *Schema Change*. 2nd ed. Tehran: Roshd Publications, p. 59.
- Carlson, Jean-Claude. (1989). *Literary Criticism*. Translated by Noushin Pezeshk. Tehran: Amouzeshi-ye Amouzesh-e Enghelab Publications, p. 99.
- Vafi, Fariba. (2010). *All Horizons*. Tehran: Cheshmeh Publishing, pp. 17, 18, 19, 21, 30, 47, 56, 60, 70, 71, 77.
- Vafi, Fariba. (2013). *After the End*. Tehran: Markaz Publishing, p. 96.
- Young, Jeffrey. (2004). *Cognitive Therapy for Personality Disorders: A Schema-Focused Approach*. Translated by Ali Sahebi and Hassan Hamidpour. Tehran: Arjmand Publications, p. 59.
- Young, Jeffrey. (2007). *Schema Therapy*. Translated by Hassan Hamidpour. Tehran: Arjmand Publications, pp. 92–98.
- Young, Jeffrey, & Klosko, Janet. (2011). *Reinventing Your Life*. Translated by Hassan Hamidpour and Zahra Andouz. Tehran: Arjmand Publishing, pp. 36–40.

فهرست منابع فارسی

- آرزومند، فریدون. و فرزانه‌فرد، سعید. و مهری بیگدیلو، ایمان. (۱۴۰۰). ماهنامه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). صص ۶۴–۵۱.
- جهانتاب، طاهره. و دیگران. (۱۴۰۱). واکاوی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رمان بریداللیل از هدی برکات براساس نظریه جفری یانگ. *مجله الجمعیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها، فسیله علمیه، شماره ۶۴، صص ۲۴۴–۲۲۱*.
- رفاقت خواجه، ابراهیم. (۱۳۹۹). آموزش مهارت‌های زندگی با استفاده از قصه‌های کهن ایرانی ویژه کودکان و نوجوانان. تهران: ارجمند، صص ۲۲.
- صمیمی، سعیده. و دیگران. (۱۴۰۱). نقد روانکاوانه شخصیت وهاب در رمان خانه ادرسیها براساس طرحواره ناسازگار اولیه با تکیه بر رویکرد جفری یانگ. *فصلنامه پژوهشهای ادبی، سال نوزدهم، شماره ۷۵، صص ۱۳۱–۱۰۵*.
- قهاری، شهربانو. (۱۳۹۷). تغییر طرحواره‌ها. چاپ دوم. تهران: رشد، صص ۵۹.
- کارلونی، ژان کلود. (۱۳۶۸). نقد ادبی. ترجمه نوشین پزیشک. تهران: انتشارات آموزشی آموزش انقلاب، صص ۹۹.
- وفی، فریبا. (۱۳۸۹). همه افق. تهران: نشر چشمه، صص ۱۷–۱۸–۱۹–۲۱–۳۰–۴۷–۵۶–۶۰–۷۰–۷۱–۷۷.
- وفی، فریبا. (۱۳۹۲). بعد از پایان. تهران: نشر مرکز، صص ۹۶.
- یانگ، جعفری. (۱۳۸۳). شناخت درمانی اختلالات شخصیت با رویکرد طرحواره محور. ترجمه علی صاحبی و حسن حمید پور. تهران: انتشارات ارجمند، صص ۵۹.
- یانگ، جفری. (۱۳۸۶). طرحواره درمانی. ترجمه حسن حمید پور. تهران: انتشارات ارجمند، صص ۹۸–۹۲.

یانگ، جعفری. و ژانت، کلوسکو. (۱۳۹۰). زندگی خود را دوباره بیافرینید. مترجم حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: نشر ارجمند، صص ۳۶-۴۰.

معرفی نویسندگان

احد کمالی‌منش: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: a.kamalimanesh@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0008-6601-4882)

پروانه عادل‌زاده: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: parvanehadelzadeh@iau.ac.ir (نویسنده مسئول))

(ORCID: 0000-0003-2507-229x)

کامران پاشایی فخری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: kamranpashaei@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-0649-2347)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ahad kamalimanesh: Department of Persian Language and Literature, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: a.kamalimanesh@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0008-6601-4882)

Parvaneh Adelzade: Department of Persian Language and Literature, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: parvanehadelzadeh@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-2507-229x)

Kamran Pashaei Fakhri: Department of Persian Language and Literature, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: kamranpashaei@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-0649-2347)